

شماره جلسه: ۱۵۰ درس خارج فقه آیه الله نجفی داماد تاریخ: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ دوشنبه

مقرر: مصطفی اله دادی

موضوع عام: مسائل مستحدثه موضوع خاص: بورس و اوراق بهادار موضوع اخص: (۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قبلاً گذشت که شارع علمی مانند اقتصاد یا طب یا سیاست را تأسیس نکرده، بلکه این علوم قبلاً وجود داشته‌اند ولی شارع در آن تقيیداتی دارد و آن را مقید و منظم کرده و محدود نموده است و قوانینی را در آنها جعل یا توصیه کرده است.

در مورد حکومت نیز چنین است که شارع اجازه ظلم به حاکم را نداده و بر هر یک از حاکم و رعیت حقوقی را تعریف کرده و هر کدام را مسئول دانسته است. یعنی اگر حاکمی نتواند نفع رعیت را رعایت کند و حقوق آنها را احقاق کند و مشکلاتشان را رفع نماید نباید باقی بماند بلکه باید جای خود را به کسی بدهد که بتواند این حق را مراعات کند. لذا اگر حکومتی وظایف خود را انجام بدهد خوب و مشروع است و در غیر این صورت حکومتی بد و نامشروع می‌باشد و مقدس گ‌بودن یک حکومت معنایی ندارد. حکومت‌های نامشروعی مثل حکومت معاویه حق رعیت را مراعات نمی‌کردند لذا مورد اعتراض مردم قرار می‌گرفتند تا اندازه‌ای که معاویه می‌گفت: علی بن ابیطالب (علیه السلام) شما را گستاخ کرده است که به شما اجازه داده که بر والی و حاکم اعتراض کنید. خداوند برای حاکمان وظایفی را حتی در طرز لباس و خوراک و زندگی شخصی قرار داده است که باید در حدّ ضعفه مردم باشند. چنانچه می‌بینیم حضرت امیر (علیه السلام) زندگی فقیرانه‌ای داشتند ولی امام صادق (علیه السلام) که حاکم نبودند زندگی به مراتب مرفه‌تری داشتند، علاوه اینکه در زمان ایشان سطح زندگی مردم هم بهتر شده بود. بله؛ شارع در عبادات تأسیساتی دارد که باید اتیان و امتثال شوند لکن در معاملات به معنای اعم هیچ تأسیسی ندارد بلکه برخی امور آن را امضاء و برخی را رد کرده است به نحوی که این تأیید یارد علنی و صریح است. لذا برخی کارها مثل بیع و قرض ربوی یا

صاحب پرچم بودن زنان یا شرابخواری در جاهلیت عرب متداول بود ولی اسلام آنها را رد کرد و به نحو واضح و صریح این رد را اعلام داشت و همه مسلمانان بدان آگاهی پیدا کردند. از طرف دیگر شارع برخی امور مثل معاملات غیر ربوی و نکاح را امضاء کرده است.

بنابراین اسلام نظام جدید اقتصادی تأسیس نکرده بلکه همان دانش اقتصاد را مقید و محدود نمود و مسلمانان را به رعایت آنها ملزم کرده است. شارع نیز برخی امور را در اقتصاد یا بیع جعل کرده و قانونی برایش گذاشته است. مثل اینکه باید حق کارگر و اجرت او پرداخت شود. نیز او برخی امور را توصیه کرده است. مثل اینکه اجرت کارگر قبل از خشک شدن عرقش پرداخت شود. این توصیه‌ها همان مستحبات و مکروهات در فقه نامیده می‌شوند. نیز شارع به کارگر توصیه می‌کند که باید کار را به نحو صحیح و احسن انجام بدهد. نمونه دیگر اینکه شارع برخی از امور را برای زنان توصیه نکرده مثل شرکت در تشییع جنازه یا مثلاً حضور در جماعت و... این موارد همان توصیه‌های اخلاقی یا مستحبات و مکروهات فقهی شمرده می‌شوند.

اگر کاری را عقلاً انجام بدهند و شارع نسبت به آن ساکت باشد و نهی نکرده باشد مانعی از انجامش نیست. بنابراین نمی‌توان از جانب خود چیزی یا کاری را به دین نسبت داد و شرعی شمرد و موجب انزجار خلق از دین الهی شد.

بنابراین شارع در امور عقلایی - مثل اقتصاد یا طب یا سیاست یا حکومت - هیچ تأسیسی ندارد بلکه ممکن است برخی قوانین در آنها را امضاء یا رد کند یا مقید سازد به نحوی که رد او باید اثبات شود و علنی باشد.